



سفر به ژاپن؛ قدم زدن پرشتاب، خواب در مترو، سیگار ممنوع - ۴

عمق و چرایی رفتارهای مردم در یک نظام اجتماعی را نمی‌توان با یک مشاهده سطحی دریافت اما پاره‌ای از رفتارها را شاید بتوان در چند روز بدست آورد که در این یادداشت به تعدادی از آنها اشاره می‌کنم.

همشهری آنلاین- علی کدخدازاده:

عمق و چرایی رفتارهای مردم در یک نظام اجتماعی را نمی‌توان با یک مشاهده سطحی دریافت اما پاره‌ای از رفتارها را شاید بتوان در چند روز بدست آورد که در این یادداشت به تعدادی از آنها اشاره می‌کنم.

بیشتر افراد برای اینکه از منزل به محل کار خود بروند، مجبورند مصافتهایی را پیاده طی کنند؛ مصافت بین يك ایستگاه اتوبوس یا مترو با ایستگاه دیگر، مصافت بین محل پیاده شدن نهایی تا رسیدن به محل کار و نظایر آن.

این نوع پیاده‌روی با قدم‌زدن‌های تفریحی یا به هنگام تماشای مغازه‌ها و مناظر برای خرید یا لذت بردن تفاوت دارد. این نوع پیاده‌روی‌ها از شتاب و سرعت بیشتری برخوردار است. من نیز مجبورم هر روز بخشی از مسیر از مبدا تا مقصد را پیاده بروم. مقایسه سرعت پیاده روی من با دیگر شهروندان تهرانی نشان داد که تقریباً تفاوت معنی‌داری در سرعت پیاده‌روی من با آنها وجود ندارد. به عبارتی سرعت پیاده‌روی من معدل سرعت حرکت پیاده شهروندان تهرانی برای رسیدن به مقصد است.

این سرعت را با ژاپنی‌هایی که روزها به سر کار می‌رفتند مقایسه کردم. معمولاً از همه آنها عقب می‌افتادم. این موضوع نشان داد که ظاهراً آنها با شتاب و عجله بیشتری برای رسیدن به محل کار خود حرکت می‌کنند.

کارکنان و کارمندان مرد معمولاً لباس متحدالشکلی دارند. اکثر آنها کت و شلوار مشکی (یا سرمه‌ای) پیراهن سفید و کروات دارند و تقریباً همه یک شکل هستند. اما در پوشش زنان تنوع رنگ بیشتر دیده می‌شود. تقریباً هیچ‌کدام از زنان نیز آرایش ندارند و لباس‌های آنها در زمانی که مشاهده کردم (میان اسفند) به واسطه نوع پوشش تقریباً از رنگ‌های آرام انتخاب شده بود.

یکی از محل‌های دیدنی مردم داخل مترو است. مشاهدات نشان داد که به طور متوسط از ده نفر افراد حاضر در مترو، یک نفر در مطالعه می‌کند، سه نفر کاری انجام نمی‌دهند، دو تا سه نفر با تلفن همراه خود مشغول‌اند (عالباً بازی کامپیوتری می‌کنند) و سه تا چهار نفر نیز خواب هستند یا چرت می‌زنند.

در شرایطی که هوا بسیار سالم و تمیز است اما بسیاری از مردم از ماسک استفاده می‌کنند. دلیل را پرسیدم اما جواب قانع کننده‌ای نگرفتم مثلاً یکی از همکاران من گفت بعضی‌ها که سرما خورده‌اند ماسک می‌زنند تا دیگران آلوده نشوند اما بعید به نظر می‌رسد که این تعداد عظیم در روز سرما خورده باشند. حتی در اتاق‌های مخصوص سیگار افرادی را مشاهده کردم که با ماسک وارد می‌شدند، ماسک را برمی‌داشتند، سیگار می‌کشیدند و سپس ماسک می‌زدند و خارج می‌شدند. به هر حال دلیل ماسک زدن‌ها را نفهمیدم.

تا آنجا که من دیدم آنها مردمی هستند که به کار خود احترام می‌گذارند و آن را جدی می‌گیرند. حتی خدمه رستوران‌ها طوری رفتار می‌کنند که انگار مهم‌ترین شغل جهان را دارند. تقریباً به یاد ندارم با یک کارمند یا کارگر محلی مواجه شده باشم و بعد از اینکه به هم نگاه کردیم وی لبخند نزده باشد. ظاهراً لبخند زدن به دیگران بخشی از فرهنگ رفتاری مردمی است که یک هفته با آنها بودم.

وسواس در کار از دیگر ویژگی‌هایی بود که دیدم. در محل برج معروف مخابراتی توکیو با افرادی مواجه شدم که ظاهراً باید ماموران شهرداری یا زیباسازی باشند آنها در حال هرس کردن درختان بودند. نوع تجهیزات و رفتار آنها به گونه‌ای بود که تصور می‌کردی می‌خواهند یک موشک بسازند.

کار تعدادی از افراد برای من غیر قابل تصور بود. مثلاً در موزه‌ها دختران جوانی هستند که به تنهایی ساعت‌ها در محل یک سالن ایستاده‌اند و کاری ندارند جز اینکه اگر کسی از آنها سوالی کرد پاسخ دهند. در مقابل درب فروشگاه‌ها و شرکت‌ها افرادی که ساعت‌ها می‌ایستند و کارشان احترام گذاشتن و هدایت مراجعین است.

در مجاورت موزه هنرهای معاصر توکیو با منظره دیگر مواجه شدم. ظاهراً قرار بود بخشی از یک زمین را برای فضای سبز آماده کنند. کل زمین را با یک روکش پلاستیکی پوشانده بودند و بسته‌های خاک یا کود در کیسه‌های کنار هم به نظم چیده شده بود. روکش هر مساحت از زمین که قرار بود آمایش شود برداشته می‌شد. کار روی زمین انجام می‌شد. نخاله‌ها یا خاک‌های زائد همان‌جا درون کیسه‌های دیگری ریخته می‌شد و به این ترتیب تا انتهای زمین مورد نظر پیش می‌رفتند به این ترتیب هیچ اثری از زباله و مواد زائد باقی نمی‌ماند و اگر کار هم در طول آن روز نیمه تمام می‌ماند، همه چیز آراسته و مرتب بود.

در سه شهری که بازدید کردم فقط در یکی از خیابان‌های فرعی توکیو یک سطل زباله در بسته کنار یک مغازه دیدم. تقریباً هیچ سطل زباله بزرگی دیده نمی‌شود. سطل‌های کوچک که شبیه سطل‌های زباله هتل‌هاست، نیز تقریباً همیشه خالی است. ظاهراً مردم زباله‌های خود را حمل می‌کنند و در محل‌هایی که ندیدم کجاست، قرار می‌دهند. در مرکز شهر کیوتو با خانمی مواجه شدم که در کنار یک پارک به دختر کوچکش نوشیدنی و غذا می‌داد وی از کوله پشتی‌اش به غیر از وسایل غذا یک کیسه مخصوص درآورده بود و زباله‌های را درون آن ریخت و سپس آن را درون کوله‌اش قرار داد. شهرها همیشه تمیز هستند مانند شهرهای ما در چند روز سال نو. خیابان‌ها نیز به رغم جمعیت بزرگ شهری معمولاً خلوت است. ترافیک روزانه شهرهای توکیو و کیوتو برای من یادآور ترافیک روزهای 5 و 6 فروردین در تهران بود. نکته جالب سکوت در خیابان است. به غیر از غروب بخش‌های تجاری

توکیو و دیگر شهرها که مملو از تابلوهای الکترونیکی با نور فراروان و صدای موسیقی است، باقی شهر بی صداست. به نظر می‌رسد حتی اگر از اتومبیل‌ها هم کم صدا ترند.

در ژاپن سیگار کشیدن جز در مکان‌های خاص ممنوع است. تقریباً نمی‌توان کسی را مشاهده کرد که حین راه رفتن سیگار بکشد، چرا که جایی برای انداختن خاکستر و ته سیگار خود ندارد. به رغم اینکه ژاپنی‌ها از جمله مردمانی هستند که تعداد زنان و مردان سیگاری آن بسیار بالاست اما مشاهده سیگار کشیدن جز در محل‌های مخصوص تقریباً ناممکن است. در کیوتو در کنار تماشای یک تئاتر خیابانی ناگاه سیگاری روشن کردم. پیرمردی که کنار من بود با احترام از من دعوت کرد تا خاکستر و در نهایت فیلتر سیگارم را در کیسه مخصوصی که داشت بریزم. این کیسه‌ها شبیه جاکلیدی‌های چرمی قدیمی است که ته آن مانند پاکت بسته است و پوشش درونی آن چیزی شبیه آلومینوم است و افراد برای اینکه سیگار بکشند از آن جهت قرار دادن ته سیگار و خاکستر آن استفاده می‌کنند.

در شهرهایی که سفر کردم هیچ میدانی ندیدم. آنطور که به من گفته شد در خیابان‌های ژاپن میدان وجود ندارد (دست کم در توکیو، کیوتو و کاناوا وجود نداشت) همچنین تقریباً هیچ چهارراه متقاطع نیز وجود ندارد.

لباس‌های مردم مانند لباس‌های روز است اما هر روز چند بار افرادی را به ویژه جوانانی را مشاهده می‌کنید که لباس سنتی ژاپنی به تن دارند و با آن به محل کار، ملاقات یا سرگرمی‌های خود می‌روند.